

تبیین سازه «شجاعت» بر اساس منابع اسلامی

مصطفی خوشخرام رودممعجنی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

m.khoshkaram94@gmail.com

 orcid.org/0000-0003-4388-2181



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۷ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مفهوم «شجاعت» در منابع اسلامی و تعیین مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌های این سازه انجام شده است. یافته‌های پژوهش از طریق بررسی و تحلیل آیات و روایات به صورت «کتابخانه‌ای» جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شد. مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌های «شجاعت» نیز به روش توصیفی - تحلیلی براساس رتبه‌بندی کتب روایی و با استفاده از رتبه «الف» و «ب» استخراج و تبیین گردید. با تتبع در منابع دینی پنج واژه «الشجاعة»، «النَّجْدَة»، «صِدْقُ الْبَاسِ»، «الجرأة»، و «قوة القلب» استخراج و تجزیه و تحلیل گردید. یافته‌های این پژوهش در سه سطح قابل ملاحظه است: اول. عناصر و مؤلفه‌های سازه «شجاعت» که در دو قلمرو تقسیم‌بندی می‌شوند: ۱. قلمرو روانی (ذهنی): انگیزه مقاومت، قوی‌دل و پر دل بودن؛ ۲. قلمرو عملی (عینی): اقدام و ورود در ناملايمات، دفاع کردن، ایستادگی و مقاومت. دوم. تعریف سازه «شجاعت» که عبارت است از: توانایی روانی که در فرد انگیزه‌ای برای مقاومت ایجاد کرده، او را به اقدام و ورود در ناملايمات و دفاع کردن واداشته و وی را در برابر دشواری‌ها و تلخی‌های مبارزه شکیبا و پایمرد می‌سازد. سوم. یافته‌های پژوهشی در زمینه نشانه‌های (خرده‌مؤلفه‌ها) شجاعت می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: شجاعت، ایستادگی و مقاومت، دفاع کردن، ورود در ناملايمات، منابع اسلامی.

در مسیر حرکت علمی روان‌شناسی، جنبش جدیدی به نام «روان‌شناسی مثبت» مشاهده می‌شود که به شناسایی توانمندی‌ها و ویژگی‌های ذاتی در هر انسان می‌پردازد (سلیگمن و تریسی، ۲۰۰۵). سلیگمن، بنیانگذار این گرایش جدید، خاطرنشان کرد که پژوهش‌های علمی ارزشمند ناچیزی به کشف چگونگی جمع‌آوری و فعال‌سازی نیرویی اختصاص یافته است که به زندگی ارزش زیستن می‌دهد (فردریکسون، ۱۳۹۵، ص ۲۲۵). وی پس از سال‌ها تحقیق و تدقیق در زمینه آسیب‌شناسی و مدنظر قرار دادن این نکته که نباید تنها به نقاط ضعف انسان اشاره کرد، بلکه باید به توانمندی‌ها و فضایل انسانی نیز توجه نمود (سلیگمن، ۱۳۸۲، ص ۳۵؛ سلیگمن و سیکزنت، ۲۰۰۰؛ اشنایدر و لوپز، ۲۰۰۳)، بیان می‌کند که ما به دنبال ارزش‌های همه‌جا حاضر - اگر هم نه جهانی - بودیم که در بررسی‌ها به شش فضیلت جهانی رسیدیم. یکی از این فضایل «شجاعت» است که از دیرباز مدنظر دانشمندان بوده و در سطح خطوط کلی در ادبیات پژوهشی بررسی شده است. این مفهوم در قرن اخیر وارد حوزه «روان‌شناسی مثبت» شد و به‌مثابه یکی از فضایل اساسی در دست مطالعه قرار گرفت (جوزف، ۲۰۱۵، ص ۵۲۳).

ساده‌انگازانه است اگر گمان شود «شجاعت» مفهومی بدیهی است و فقط در عرصه کارزار استفاده می‌شود. در صورتی که با اندکی دقت، می‌توان دریافت که «شجاعت» فقط یک رفتار قابل مشاهده نیست، بلکه متضمن شناخت‌ها، هیجان‌ها، انگیزش‌ها و اراده‌هایی است که در پیرامون آن شکل می‌گیرد (پترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴، ص ۳۶). در این جنبش جدید، برای فضیلت شجاعت چهار توانمندی برشمرده‌اند که عبارتند از:

۱. دلیری (دلآوری)؛ ۲. پشتکار (پایداری و پرتلاش بودن)؛ ۳. صداقت (اصالت، یکپارچگی) (سلیگمن، ۱۳۸۹، ص ۱۷۸)؛ ۴. رغبت (سرزندگی، اشتیاق، نیرو، انرژی) (جوزف، ۲۰۱۵، ص ۵۲۳).

در نهایت با توجه به این چهار توانمندی، فضیلت «شجاعت» چنین تعریف می‌شود: شجاعت عبارت است از: توانمندی هیجانی که عبارت است از: اعمال اراده تا رسیدن به هدف، علی‌رغم مخالفت‌های بیرونی یا درونی (مگیار - موئی، ۱۳۹۱، ص ۷۱؛ پترسون و سلیگمن ۲۰۰۴، ص ۱۹۹؛ سلیگمن، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸؛ مگیار - موئی، ۱۳۹۲، ص ۷۶؛ جوزف، ۲۰۱۵، ص ۵۲۳).

از سوی دیگر، در روایات اسلامی بر شجاعت تأکید و از آن تحسین شده است. برخی روایات شجاعت را محبوب خداوند دانسته‌اند که دوست دارد بندگان آن را داشته باشند. بدین‌روی پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «خداوند شجاعت را دوست دارد، اگر چه کشتن ماری باشد» (طوسی، ۱۳۷۷، ص ۳۳۱).

در روایتی دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «خداوند رسولانش را به مکارم اخلاق زینت بخشیده است. خود را بیازمایید، اگر در شما وجود دارند خدا را سپاس‌گزارید و بدانید که این از خیر است؛ و اگر در شما نباشند از خدا خواهش کنید و به آنها رغبت ورزید. و آنها ده‌تاست که یکی از آنها شجاعت است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۷۹).

به دنبال تأکید ائمه دین بر شجاعت، اندیشمندان اسلامی مفهوم «شجاعت» را در کتب اخلاقی بررسی کرده و آن را یکی از اصول و ارکان اخلاق حسنه و ملکات فاضله دانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ص ۳۹۱). علاوه بر این، اصول فضایل را بنا بر اتفاق، تمام اندیشمندان متأخر و متقدم «حکمت، شجاعت، عفت و عدالت» می‌دانند (طوسی، ۱۴۱۳ق، ص ۷۲).

برخی دیگر شجاعت را از زیرشاخه‌های عدالت دانسته‌اند. بدین بیان که از پیوستن این نیروهای سه‌گانه، یعنی حکمت، عفت و شجاعت، نیروی چهارمی شکل می‌گیرد که در میان علمای اخلاق، «عدالت» نامیده می‌شود (مظاهری، ۱۳۸۳، ص ۴۷).

برای مشخص شدن تعریف این فضیلت، اندیشمندان اسلامی اشاراتی درباره این مفهوم داشته‌اند؛ مانند تعریف شیخ طوسی، که «شجاعت» را ملکه‌ای می‌داند که شخص را وامی‌دارد تا در سختی‌ها و مکاره، اطمینان به رهایی و نجات داشته و آماده مواجهه با سختی‌ها باشد (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۶۲۷).

با توجه به فقدان پژوهشی مستقل در زمینه شجاعت براساس منابع اسلامی، تحقیق حاضر در پی پاسخ به دو سوال ذیل است:

۱. مؤلفه‌های سازه «شجاعت» کدام است؟

۲. مفهوم «شجاعت» براساس مؤلفه‌ها در منابع اسلامی چیست؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر «توصیفی - تحلیلی» است. در بررسی منابع اسلامی از روش «تحلیل محتوا» استفاده شده است. رویکرد اساسی در استخراج روایات مبتنی بر معیار «رتبه‌بندی» طباطبائی (۱۳۹۰) است. در این معیار، کتاب‌های حدیثی شیعه و سنی در سه گروه درجه‌بندی شده است:

اول. کتاب‌های درجه «الف»: کتاب‌های مقبول و قابل اعتماد شیعیان یا اهل سنت؛

دوم. کتاب‌های درجه «ج» از گروه کتاب‌های ضعیف که اعتماد محض به متون آنها پسندیده نیست و بهتر است به‌منزله مؤید از آنها استفاده شود.

سوم. کتاب‌های درجه «ب» که مابین دو گروه دیگر قرار دارد و برای استناد صلاحیت نسبی دارند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵-۲۸۶).

برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به مؤلفه‌ها و نشانه‌ها (خرده‌مؤلفه‌ها)، تمام مشتقات فعلی (ماضی، مضارع و امر) و اسمی (اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه، اسم مبالغه و اسم تفضیل) با «ال» و بدون آن استخراج شد. بنای تحلیل مفهوم اصطلاحی، تعریف و شناسایی مؤلفه‌های «شجاعت» در کتب روایی «الف» و «ب» بوده و از روایات رتبه «ج» تنها به‌عنوان مؤید استفاده شده است. در نهایت روایات مرتبط با پژوهش انتخاب گردید و برای استخراج مفهوم و مؤلفه‌ها توصیف و تجزیه و تحلیل شد.

بحث و بررسی

برای لغت «شجاعت» در زبان عربی واژه‌هایی وضع شده است که هر کدام نسبت به دیگری تفاوت‌هایی، هم از حیث شیوع در استعمال دارند و هم از حیث معنا یا یکدیگر. با بررسی منابع اسلامی به پنج مفهوم می‌توان دست یافت که می‌توانند در فرایند مفهوم‌شناسی «شجاعت» در منابع اسلامی بررسی گردند. مفاهیم پنج‌گانه مذکور عبارتند از: «الشجاعة»، «التَّجَدَّة»، «صِدْقُ الْبَأْسِ»، «الْبَجْرَةُ»، «قُوَّةُ الْقَلْبِ».

در ادامه، برای دستیابی به مفهوم «شجاعت» در منابع اسلامی، هریک از مفاهیم مذکور از لحاظ لغوی و اصطلاح دینی بررسی و تحلیل می‌گردد و در نهایت، جمع‌بندی ارائه می‌شود. بدین منظور واژه‌هایی که نسبت به دیگر لغات پرکاربردترند بررسی شده‌اند:

۱. الشجاعة

ابتدا لغت «شجاعه» در لغت بررسی می‌شود و پس از رسیدن به یک تعریف کلی در نگاه لغت‌شناسان این واژه از نگاه منابع اسلامی بررسی می‌گردد:

الف. «شجاعت» در لغت

برخی لغتنامه‌ها «شجاعت» را به «شدة القلب عند البأس» معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۱۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۷۳) به معنای اینکه هنگام جنگ، شخص دارای پُردلی و قوت نفس است. البته می‌توان لغت «البأس» را در اینجا به معنای ترس (خوف) هم گرفت و چنین گفت که هنگام ترس، دارای قوت نفس و پردلی است، که در این صورت معنای «البأس» عمومیت پیدا کرده، حیطه‌هایی غیر از جنگ (مانند سخنرانی در یک جمعیت ده‌هزار نفری) را هم شامل می‌شود. در این صورت چنین می‌گوییم که فرد در مقابل ده‌هزار انسان با قوت نفس و دلی قوی سخنرانی نمود. همچنین می‌توان گفت: اگر جنگ را «بأس» نامیده‌اند به علت آن است که در جنگ هم خوف وجود دارد (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۱۹۲).

برخی لغتنامه‌ها «شجاعت» را به معنای قوت قلب داشتن در هنگام گرفتاری‌ها می‌دانند و چنین تبیین می‌کنند که - مثلاً - فلان شخص دارای قوت قلب است و با جرئت و پیشگام بودن در جنگ، طرف مقابل را خوار نمود و به ضعف کشاند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۵).

می‌توان نتیجه گرفت که «شجاعت» به معنای قوت قلب داشتن در هنگام باس (جنگ، خوف، گرفتاری) است؛ همان‌گونه که این معنا را برخی اندیشمندان اسلامی در آثارشان مطرح کرده و گفته‌اند: ما به کسی «شجاع» می‌گوییم که در هنگام شدايد و گرفتاری‌ها دارای قوت قلب باشد و شجاعت فقط در میدان نبرد و به‌زور و بازو نیست (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۲، ص ۵۶۷)، بلکه «شجاعت» قوت قلبی است که افراد را در مقابل گرفتاری‌ها و شدايد استوار نگه می‌دارد.

با توجه به دو تبیینی که از واژه «شجاعت» ارائه شد، تعریف «شجاعت» را با نگاه لغوی می‌توان چنین ارائه کرد: شجاعت توانایی درون‌روانی است که موجب می‌شود شخص با قوت با مشکلات (اعم از جنگ، گرفتاری‌ها و مشکلات) روبه‌رو گردد.

ب. شجاعت در متون اسلامی

در این بخش با استفاده از دو روایت، مفهوم شجاعت را بررسی می‌کنیم:

از امام حسن مجتبیٰ علیه السلام درباره «شجاعت» سؤال شد، حضرت در پاسخ فرمودند: ایستادگی در برابر هم‌اوردان (دست و پنجه نرم کردن با حریفان هموزن خود) و شکیبایی به هنگام شنیدن سخن نیشدار (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۵۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۶، ص ۲۴۲).

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «شجاعت ساعتی صبر کردن است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۱؛ جیلانی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۱۱). این روایت هرچند در کتب اصیل قبل از سده پنجم هجری مشاهده نشد، لیکن می‌توان از آن در تأیید روایت قبل که در آن امام بر مفهوم «صبر» تأکید کرده بودند، استفاده کرد.

امیرمؤمنان علیه السلام همچنین می‌فرماید: «سخاوت و شجاعت صفات شریفی هستند که خداوند سبحان آن را در وجود کسانی که دوستشان دارد و آزموده است قرار می‌دهد» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۴).

در روایتی که از امام حسن مجتبیٰ علیه السلام نقل شد، از عبارت «مُؤَافَقَةُ الْأَقْرَانِ» استفاده شده است که دو واژه «مُؤَافَقَةُ» و «أَقْرَانِ» نیاز به بررسی بیشتری دارد. «مُؤَافَقَةُ» در لغت به معنای ایستادگی در مقابل جنگ و دشمنی است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۶۰) و «أَقْرَانِ» که جمع «قِرْنِ» است، به معنای هم‌تا بودن و مثل هم بودن در شجاعت و مبارزه است (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۵۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۳۳۷). وقتی دو تن می‌خواهند با یکدیگر مبارزه کنند اگر از لحاظ شجاعت و جنگاوری شبیه یکدیگر باشند از واژه «أَقْرَانِ» استفاده می‌شود. با این بیان، درباره تعبیر «مُؤَافَقَةُ الْأَقْرَانِ» به این نکات دست یافتیم:

- ایستادگی کردن؛

- ایستادگی در مقابل جنگ و دشمنی صورت می‌پذیرد.

- با قید «أَقْرَانِ» فهمیده می‌شود که این ایستادگی باید در مقابل افرادی باشد که از حیث شجاعت و دلیری با

فرد یکسان هستند.

- ایستادگی مزبور بر مبنای یک منطق و روش معقولی است. توضیح آنکه شخص خردمند به سبب آنکه

بر هیجانان خود (همچنین هیجانان منفی) مانند ترس مسلط است، از هر چیزی نمی‌ترسد و به راحتی تحت تأثیر شرایط و فضای موجود قرار نمی‌گیرد. بدین‌روی افرادی که از خردمندی بالایی برخوردار نیستند،

نمی‌توانند موقعیت‌ها و شرایط را به درستی تجزیه و تحلیل کنند یا می‌ترسند یا اقدام و واکنش مناسبی در آن موقعیت نمی‌توانند از خود نشان دهند. به همین دلیل امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «لَا أَشْجَعَ مِنْ لَيْبٍ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۷۳)؛ شجاع‌تر از خردمند وجود ندارد. به عبارت دیگر، از این روایت چنین برداشت می‌شود که افراد خردمند رفتارهایشان بر مبنای عقلانیت است و رفتاری هم مانند ایستادگی بر مبنای خردمندی و منطق است.

– در قسمت دوم این روایت امام از واژه «و الصَّبْرُ عِنْدَ الطَّاعِنِ» استفاده می‌کنند که به معنای شکیبایی ورزیدن در مقابل سخنان نیشدار دیگران است. البته در روایت دوم امام از شجاعت چنین تعبیر می‌کنند که «شجاعت ساعتی صبر کردن است». امام علیه السلام در اینجا شکیبایی کردن را مقید به چیز دیگری نکردند که این نکته‌ای قابل توجه است که امام یکی از مؤلفه‌های شجاعت را «صبر» در نظر گرفته‌اند که می‌تواند این صبر در مقابل طعنه‌های دیگران یا مانند آن باشد.

با توجه به آنچه از دو روایت فوق گذشت، می‌توان برای شجاعت دو مؤلفه اساسی ذکر کرد: اول. ایستادگی و مقاومت (مُؤَافَقَةُ الْأَقْرَانِ) و دوم. شکیبایی (وَالصَّبْرُ عِنْدَ الطَّاعِنِ / صَبْرٌ سَاعَةً).

با توجه به سومین روایت می‌توان چنین تبیین نمود که در این روایت از شجاعت به «گریزه شریفه» تعبیر شده است. در تبیین گریزه چنین می‌توان گفت: خاصیتی در همه موجودات جامد یا نامی – لیکن بدون روح حیوانی – هست که «طبیعت» نامیده می‌شود؛ اما خاصیت‌های ویژه همه حیوانات، از جمله بُعد حیوانی انسان «گریزه» نام دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۴۰۱)؛ مانند گریزه حبّ جاه که برخی افراد در ادیان سابق از نسخ شریعت و دین خویش باخبر بودند و آن را خاتمه‌یافته می‌یافتند، لیکن گریزه حبّ جاه و غرض حب منافع و مانند آن وادارشان می‌کرد نه تنها حق را نپذیرند، بلکه دیگران را به صورت دفع یا به صورت رفع از حق منحرف کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۴، ص ۵۵۹)، و مانند گریزه مال دوستی که پروردگار انسان را با این گریزه آفریده است؛ زیرا در دنیا بدون مال زندگی ممکن نیست. بنابراین حبّ مال در انسان‌ها وجود دارد (همان، ج ۹، ص ۱۰۹). حال در روایت فوق از شجاعت به «گریزه» تعبیر شده است که با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت: شجاعت خاصیتی همگانی است که در وجود همه انسان‌ها وجود دارد. علاوه بر آن شجاعت گریزه‌ای الهی است و کسی را که خداوند دوست داشته باشد این فضیلت را در او قرار می‌دهد.

ج. جمع‌بندی

بنا بر آنچه گذشت، در تعریف «شجاعت» می‌توان گفت: توانایی روانی است که به‌وسیله آن شخص می‌تواند در برابر دیگران (مشکلات، گرفتاری‌ها، نامالایمات، روبه‌رو شدن در میدان جنگ و پیکار با دیگران) ایستادگی کند و در برابر پیامدهای آن (مانند سخن نیشدار دیگران) شکیبایی ورزد.

۲. النَّجْدَه

ابتدا «النجده» از حیث لغوی بررسی و سپس تعریفی کلی از نگاه لغت‌شناسان ارائه و در نهایت این واژه از نگاه منابع اسلامی بررسی می‌گردد:

الف) «نجده» در لغت

با بررسی لغتنامه‌ها، تعابیر مشترکی از مفهوم «نجده» به دست می‌آید که همه آن را در تبیین دو لغتنامه ذیل می‌توان جمع نمود:

«النجده» در برخی کتب لغت مترادف با «شجاعت» معنا شده و در تعریف آن گفته‌اند: «النجده البُلُوغُ فی الأمرِ»؛ نجده وارد شدن در کار است (صاحب‌بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۴۹) و در تعریف دیگری گفته شده: «النَّجْدَةُ الشَّجَاعَةُ وَ هِيَ الْبُلُوغُ فِي الْأَمْرِ الَّذِي يُعْجَزُ عَنْهُ» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۸۵)؛ نجده وارد شدن در کاری است که (افراد) از انجام آن ناتوان‌اند.

در تعریف دوم دو نکته نهفته است که تعریف اول هم مؤید آن است:

۱. «النجده» با واژه شجاعت مترادف است.

۲. شجاعت اقدام و ورود در کار است.

۳. از قید «يُعْجَزُ عَنْهُ» (افراد از انجام آن ناتوان‌اند) فهمیده می‌شود که اقدام و ورود در کار باید به نحوی باشد که در ظاهر، آن کار دارای مشقت باشد؛ زیرا در صورت راحتی کار، هر کسی می‌تواند آن را انجام دهد و دیگر شجاعت به حساب نمی‌آید؛ حتی آدم ترسو و بزدل هم بر این کار وارد می‌شود.

۴. همچنین از قید مزبور می‌توان چنین استنباط کرد که حتی شخص شجاع هم ممکن است در ابتدا برای انجام آن کار احساس ناتوانی بکند، ولی با همه اینها بر این عجز غلبه کند و بر آن کار سخت و طاقت‌فرسا وارد شود.

برخی کتب لغت علاوه بر اینکه مترادف بودن «النجده» و «شجاعت» را قبول کرده‌اند، اما اختلافی را در میان اهل لغت درباره این دو واژه بیان کرده‌اند که برای فهم تفاوت این دو واژه می‌تواند مفید باشد و آن اینکه گروهی گفته‌اند: این دو واژه مترادف یکدیگرند و هیچ فرقی با یکدیگر ندارند؛ گروهی دیگر هم تفاوت بین این دو واژه را مثل روز روشن می‌دانند، به گونه‌ای که شجاعت نوعی دلیری است که به سبب آن شخص وارد بر عرصه‌های پرخطر می‌شود که احتمال هلاکت در آن وجود دارد، و «نجده» یعنی اینکه شخص در این موقعیت هولناک، ثابت‌قدم و پایدار باشد، بدون اینکه از مردن و یا در خطر مرگ قرار گرفتن هراسی داشته باشد، تا پیروز و یا شهید شود (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۷۱).

در این تبیین چند نکته روشن است که به آن اشاره می‌شود:

۱. این دو واژه مترادف یکدیگرند.

۲. شجاعت نوعی دلیری است که به سبب آن شخص وارد بر عرصه‌های پرخطری می‌شود که احتمال هلاکت در آن وجود دارد، و نَجده یعنی اینکه شخص در این موقعیت هولناک ثابت‌قدم و پایدار باشد، بدون اینکه از مردن و یا در خطر مرگ قرار گرفتن هراسی داشته باشد. البته همان‌گونه که در تعریف «شجاعت» - در تبیین اول گفته شد «وارد شدن در کارهای نشدنی» - می‌توان فهمید که لازمه ورود به کارهای سخت و مشقت‌زا این است که بعد از ورود به آن کار، ثبات قدم و پایداری داشته باشد، وگرنه به ورودی که بعد از آن گریزی باشد «شجاعت» اطلاق نمی‌شود.

با نگاه به آنچه گذشت، می‌توان تعریف لغوی «نجده» را چنین گفت: «نجده» همان «شجاعت» است، با این بیان که شخص وارد بر کارهای خطرناک بشود و در انجام آن ثابت‌قدم بماند.

ب) نجده در متون اسلامی

درباره واژه «نجده» از سه امام سؤال شد که جواب‌هایی تقریباً مشترک با تفاوت‌های جزئی دادند:

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند: شکیبایی در برابر خشم، نجده است (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۶۳).

از امام حسن علیه السلام سؤال شد: «نجده» چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: دفاع از پناهنده، مقاومت و پایداری در میدان‌ها و اقدام و ورود در ناملايمات (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۵۱).

امام حسن علیه السلام در روایت دیگری درباره معنای «نجده» می‌فرمایند: «نجده» آن است که انسان از محرم‌های خود دفاع کند و در هر جایی که ناملايمات وجود داشته باشد پایداری و صبر پیشه کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۹۰).

از امام حسین علیه السلام درباره «نجده» سؤال شد، فرمودند: نجده قدم نهادن در سختی، شکیبایی ورزیدن در مصیبت، و دفاع از برادران است (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۳۵).

از این روایات می‌توان چنین نتیجه گرفت که «نجده» دارای سه مؤلفه است که با بررسی آنها می‌توان به درک روشن‌تری از مفهوم آن دست یافت:

اول. در دو روایت سوم و چهارم بر انجام دادن و اقدام کردن بر کار تکیه شده است (الإقدامُ عَلَی / عند)؛ به این معنا که در ناملايمات و سختی‌ها بر انجام کار اقدام نماید، بدون اینکه کار را به خاطر وجود ناملايمات ترک کند.

نکته قابل توجه اینکه در دو روایت مذکور، از دو حرف «علی» و «عند» استفاده شده که این دارای ظرافت‌هایی است؛ از جمله اینکه حرف «علی» به معنای طلب برتری است؛ یعنی شخص دارای «نجده» بر ناملايمات و سختی‌هایی وارد می‌شود که بر آنها احاطه داشته باشد تا بر ناملايمات تأثیر بگذارد، نه اینکه تأثیر بپذیرد و این خود نوعی آمادگی برای ورود به ناملايمات و سختی‌ها را می‌طلبد. در روایت دوم که از حرف «عند» برتری شخص واردشونده بر ناملايمات استفاده نمی‌شود، صرف ورود بر ناملايمات دریافت می‌گردد.

دوم. صبر کردن است که در چهار روایت بر آن تأکید شده است، با این تفاوت که در روایت دوم مقاومت در میدان‌ها را به‌عنوان مصداق انتخاب می‌کند: «الصَّبْرُ فِي الْمَوَاطِنِ» و در روایت چهارم شکیبایی ورزیدن در مصیبت «الصَّبْرُ عِنْدَ النَّائِبَةِ» را به‌عنوان مصداق صبر بیان می‌کند و در روایت سوم صبر در هر جایی که نامالایمات و سختی‌هایی وجود داشته باشد: «وَالصَّبْرُ فِي الْمَوَاطِنِ عِنْدَ الْمَكَارِهِ» را توصیه می‌کند. در روایت اول شکیبایی در برابر خشم «الصَّبْرُ عَنِ الْغَضَبِ نَجْدَةٌ» را به‌عنوان یکی از مصادیق صبر مشخص می‌نماید.

سوم. دفاع کردن است که در روایت دوم مصداق شجاعت دفاع کردن از بی‌پناه و پناهنده «الذَّبُّ عَنِ الْجَارِ» و در روایت چهارم مصداق شجاعت دفاع از برادران دینی «الذَّبُّ عَنِ الْإِخْوَانِ» است. در روایت سوم هم دفاع از محارم «فَالذَّبُّ عَنِ الْمَحَارِمِ» را به‌عنوان یکی از مصادیق دفاع بیان می‌کند.

از این روایات می‌توان یک اصل کلی استخراج کرد: در موقعیت‌هایی که با نامالایمات آمیخته است اقدام و عمل را در اولویت قرار دهیم و با وجود نامالایمات، از آن کار، که شاید با وجود نامالایمات خیر باشد، دوری نکنیم. در مقام اجرا و عمل ما به مقاومت و صبوری برای به سرانجام رسیدن کار نیاز داریم. در چنین شرایطی ما می‌توانیم به دفاع از دیگران بپردازیم.

ج) جمع‌بندی

براساس آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت که «نجده» دارای سه عنصر اصلی است که در روایات فوق توسط امامان معصوم علیهم‌السلام تبیین شده است:

- اقدام و ورود در نامالایمات (جنبه بیرونی دارد)؛

- شکیبایی ورزیدن (جنبه درونی دارد)؛

- دفاع کردن (ظهور این عنصر در بیرون است).

با توجه به آنچه گذشت، با استفاده از منابع اسلامی می‌توان گفت: نجده عبارت است از: وارد شدن در شرایط سخت و شکیبایی و ثبات قدم داشتن در مقابل نامالایمات تا به دفاع از خود و دیگران بپردازد.

۳. الْجُرْأَةُ

ابتدا لغت «جرأة» در لغت بررسی می‌شود و پس از رسیدن به یک تعریف کلی در نگاه لغت‌شناسان این واژه از نگاه منابع اسلامی بررسی می‌گردد:

الف. «جرأة» در لغت

با بررسی این لغت به سه تبیین مهم می‌توان دست یافت:

۱. «جرأة» به معنای شجاعت است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۴) که در این صورت معنای قوت قلب داشتن در مقابل نامالایمات را نیز می دهد.

۲. «جرأة» همان شجاعت و به معنای اقدام بر انجام کاری بدون درنگ است و در نهایت به معنای دلیر شدن بر چیزی و هجوم آوردن بر آن است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۲۴) که از این تعریف می توان چند نکته را استخراج کرد:

اولاً، اقدام کردن بر انجام کار در معنای «جرأة» گنجانده شده؛ به این معنا که در جرئت‌ورزی ابتدا شرط است که شخص بر میدان نبرد، بر نامالایمات و موارد مشابه آن وارد شود. از این رو سکون و وارد نشدن با جرئت‌ورزی سازگاری ندارد.

ثانیاً، اقدام در «جرأة» بدون تأمل صورت می پذیرد؛ به این معنا که احتیاط بیش از حد و محافظه کاری با موضوع جرئت‌ورزی سازگار نیست.

۳. برخی کتب لغت در بیان تفاوت «جرأة» و «شجاعة» چنین گفته اند که «جرأة» قوه قلبی است که به شخص برای اقدام کردن و ورود بر نامالایمات انگیزه می دهد و در مقابل، «شجاعة» نشانگر جرئت شخص است (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰۱). از این موضوع چند نکته قابل برداشت است:

اول. جرئت خاستگاه یک انگیزه‌ای درونی است و در مقابل، شجاعت در مقام عمل، دست و پنجه نرم کردن با نامالایمات در میدان مبارزه و موارد مشابه آن است.

دوم. جرئت قوت قلب تلقی شده؛ به این معنا که نوعی توانایی روانی است که به شخص توانایی می دهد تا در مقابل نامالایمات بایستد.

سوم. از قید «شجاعت نشانگر جرئت شخص است» به این نکته پی می بریم که جرئت قبل از میدان جنگ، نامالایمات و موارد مشابه وجود دارد، لیکن آنچه در عمل مشاهده می شود که شخص در حال دست و پنجه نرم کردن در میدان جنگ و نامالایمات است، «شجاعت» نامیده می شود.

در جمع بندی تعریف لغوی می توان گفت: «جرأة» عبارت از انگیزه‌ای درونی است که به شخص قبل از انجام کار بدون درنگ (نامالایمات، سختی‌ها، میدان نبرد و مانند آن) قوت قلب می دهد.

ب. «جرأة» در متون اسلامی

برای بررسی مفهوم «جرأة» در منابع اسلامی به روایت امام حسن مجتبی علیه السلام اکتفا می کنیم: از حضرت درباره ماهیت جرئت سؤال شد، فرمودند: ایستادگی و دست و پنجه نرم کردن با حریفان هموزن خود است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۹۱). در ادامه راوی از امام علیه السلام پرسید: «الْمَنَعَةُ» (نیرومندی) چیست؟ امام در جواب فرمودند: سخت نبرد کردن و ستیزه با پرقدرترین انسان‌ها (همان).

با توجه به آنچه درباره عبارت «مُؤَافَقَةُ الْأَقْرَانِ» در ذیل واژه «شجاعت» گذشت، می‌توان گفت: وقتی دو تن می‌خواهند با یکدیگر مبارزه کنند اگر این دو از لحاظ شجاعت و جنگاوری شبیه یکدیگر باشند از واژه «أقران» استفاده می‌شود. از این رو در تحلیل روایت مذکور و در تبیین مفهوم «جرأة» می‌توان به این نکات دست یافت:

– ایستادگی کردن: این ایستادگی در مقابل جنگ و دشمنی صورت می‌پذیرد.

– نکته ظریف در این قسمت می‌تواند قید «دشمنی کردن» باشد، به این تفسیر که دشمنی کردن گاه در میدان جنگ است و گاهی در میدان‌های دیگری غیر از جنگ؛ مانند عالم سیاست و در ارتباط با دیگران، که با این تعمیم می‌توان گفت: «مُؤَافَقَةُ» به معنای ایستادگی در جنگ و یا میدان‌هایی غیر از جنگ است.

– با قید «أقران» فهمیده می‌شود که این ایستادگی باید در مقابل افرادی باشد که از حیث شجاعت و دلیری با فرد یکسان هستند.

د. جمع‌بندی

با توجه به معنای لغوی و روایی «جرأة» می‌توان گفت: جرئت عبارت است از: توانایی روانی که در فرد انگیزه ایستادگی در مقابل افراد و شرایطی را که فرد احساس هموردی با آنها دارد ایجاد می‌کند.

۴. «صِدْقُ الْبَأْسِ»

«صِدْقُ الْبَأْسِ» پایداری در جنگ را نشان می‌دهد و چون ثبات و پایداری در جنگ یکی از جلوه‌های شجاعت است، می‌توان گفت: «صِدْقُ الْبَأْسِ» از واژه‌هایی است که به مفهوم «شجاعت» اشاره دارد (عسکری، ۴۰۰ق، ص ۱۹۲).

در جست‌وجوهای انجام‌شده در منابع اسلامی تنها یک روایت پیدا شد که در آن از واژه «صِدْقُ الْبَأْسِ» استفاده شده است که پایداری در جنگ را نشان می‌دهد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ص ۵۵). در این روایت امام صادق علیه السلام ضمن برشمردن مکارم دهگانه اخلاق، یکی از مکارم را «صِدْقُ الْبَأْسِ» برشمرده‌اند که از سیاق روایت برمی‌آید که به معنای پایداری در جنگ و یا سختی‌هاست.

از این رو می‌توان چنین نتیجه گرفت که «صِدْقُ الْبَأْسِ» توانایی روانی است که شخص با استفاده از آن در جنگ یا در هر حالتی که دارای خوف و ترس باشد، استقامت و پایداری می‌ورزد.

۵. قُوَّةُ الْقَلْبِ

در برخی روایات مفهوم دیگری به نام «قُوَّةُ الْقَلْبِ» را می‌توان مشاهده کرد که اگرچه هم‌معنای شجاعت نیست، اما می‌تواند زمینه ایجاد شجاعت باشد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند: ارزش انسان به دو عضو کوچک اوست: قلب و زبان. پردل (قوی) به میدان جنگ پا می‌نهد و با زبان به عرصه بیان (لیبی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۶۴؛ تیممی آمدی،

۱۴۱۰ق، ص ۱۱۸). با توجه به روایات «شجاعة» و «نجدة»، ایستادگی در جنگ یکی از عناصر شجاعت محسوب می‌شود و با این نگاه می‌توان گفت: قوی‌دل بودن در جنگ هم یکی از مقدمات ایستادگی در جنگ است؛ همچنان که امام علیه السلام در این روایت می‌فرمایند: انسان با دلی قوی پا به رکاب شده، به مصاف دشمن می‌رود.

البته همان‌گونه که پردلی برای شجاعت لازم است، گاهی مصادیق شجاعت، توانمندی جسمانی هم باید باشد. به همین دلیل است که برخی افراد چون از توانایی جسمانی مناسبی برخوردار نیستند احتمالاً در برخی میدان‌ها وارد نمی‌شوند و برخی افراد چون توانایی جسمانی خوبی دارند با اتکا به آن توانایی جسمانی، وارد میدان می‌شوند؛ همان‌گونه که امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: ریشه دلاوری توانمندی، و میوه‌اش پیروزی است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۸). البته با توجه به تعریفی که از «شجاعت» در این مبحث ارائه می‌شود، می‌توان توانمندی در این روایت را به توانمندی در جسم و روان تعمیم داد.

با بررسی مفاهیم پنجگانه در مفهوم‌شناسی «شجاعت» در لغت و متون دینی نکات ذیل به دست می‌آید که با تحلیل آنها می‌توان به تعریف نسبتاً جامعی از «شجاعت» دست یافت:

- در لغت و روایات، سه مفهوم «شجاعة»، «نجدة» و «جرأة» به جای یکدیگر به کار رفته‌اند.
 - «شکیبایی ورزیدن» و «ایستادگی» مؤلفه‌های شجاعت هستند.
 - «شکیبایی ورزیدن»، «اقدام و ورود در ناملايمات» و «دفاع کردن» سه مؤلفه «نجدة» به‌شمار می‌آیند.
 - «انگیزه ایستادگی و مقاومت» و «توانایی روانی در مقابله با هموردان» مؤلفه‌های جرئت هستند.
 - «توانایی روانی مقابله» و «استقامت و پایداری» مؤلفه‌های «صدق البأس» هستند.
 - «نیرومندی دل» یا قوت قلب از لوازم شجاعت است.
- بنابراین «شکیبایی ورزیدن» و «ایستادگی و مقاومت» مؤلفه‌های مشترک چهار مفهوم «شجاعة»، «نجدة» و «جرأة» و «صدق البأس» هستند و وجود «انگیزه ایستادگی و مقاومت»، «احساس توانایی روانی در مقابله» و «نیرومندی دل» از مقدمات شکل‌گیری شجاعت بوده، «اقدام و ورود در ناملايمات» و «دفاع کردن» جنبه‌های رفتاری و جلوه‌های بیرونی شجاعت تلقی می‌شوند.

می‌توان گفت: نیرومندی دل و احساس توانایی روانی در مقابله و مقاومت در فرد انگیزه ایستادگی و مقاومت ایجاد می‌کند، به‌گونه‌ای که فرد را به اقدام و ورود در ناملايمات و دفاع کردن وامی‌دارد. چون اقدام در ناملايمات با سختی‌ها و تلخی‌هایی همراه خواهد بود، انسان شجاع میدان مبارزه را رها نکرده، در این راه شکیبایی، استقامت و پایداری نشان خواهد داد.

بنابراین باید گفت: شجاعت یک توانمندی مرکب از انگیزه و اقدام است. به‌عبارت دیگر، شجاعت یک توانایی روانی است که در فرد انگیزه‌های برای ایستادگی و مقاومت ایجاد کرده، او را به اقدام و ورود در ناملايمات و دفاع واداشته، او را در برابر دشواری‌ها و تلخی‌های مبارزه شکیبا و پایمرد می‌سازد.

براساس مباحث فوق، می‌توان عناصر و مؤلفه‌های شجاعت را به دو قلمرو روانی و عملی تقسیم نمود:

۱. قلمرو روانی (ذهنی): انگیزه مقاومت، قوی‌دل و پردل بودن؛
۲. قلمرو عملی (عینی): اقدام و ورود در نامالیقات، دفاع کردن، ایستادگی و مقاومت.

نتیجه‌گیری

در بررسی سازه «شجاعت» براساس منابع اسلامی، این پژوهش در پی پاسخ به دو سؤال اصلی بود. مؤلفه‌های شجاعت اولین پرسش پژوهش حاضر بود. با بررسی روایات ذی‌ربط، مؤلفه‌های شجاعت در دو قلمرو روانی و عملی، با دربر داشتن پنج مؤلفه تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱. قلمرو روانی (ذهنی): انگیزه مقاومت، قوی‌دل و پردل بودن؛
۲. قلمرو عملی (عینی): اقدام و ورود در نامالیقات، دفاع کردن، ایستادگی و مقاومت.

دومین پرسش پژوهش تبیین مفهوم «شجاعت» در منابع اسلامی بود. پژوهشگران اسلامی تعاریفی از «شجاعت» ارائه داده‌اند که این مفهوم را به‌طور کامل مطالعه و بررسی نکرده‌اند. بعد از تحلیل‌های روایی، معلوم شد که مفهوم سازه «شجاعت» در منابع اسلامی با توجه به مؤلفه‌های فوق، عبارت از یک توانمندی مرکب از انگیزه و اقدام است. به عبارت دیگر، در تعریف «شجاعت» می‌گوییم: شجاعت یک توانایی روانی است که در فرد انگیزه‌ای برای ایستادگی و مقاومت ایجاد کرده، او را به اقدام و ورود در نامالیقات و دفاع کردن وامی‌دارد و در برابر دشواری‌ها و تلخی‌های مبارزه شکستناپذیر می‌سازد.

منابع

- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۸۲، *تحف العقول*، ترجمه احمد جنتی، تهران، امیرکبیر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار صادر.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دار الکتب الاسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تفسیر تسنیم*، چ دوم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹، *ادب فنای مهربان*، چ دوم، قم، اسراء.
- جیلانی، عبدالقادر، ۱۴۲۶ق، *الفتح الربانی و الفیض الرحمانی*، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.
- سلیگمن، مارتین، ۱۳۸۲، *کودک خوش بین*، ترجمه فروزنده داورپناه، تهران، رشد.
- _____، ۱۳۸۹، *شادمانی درونی روانشناسی مثبت گرا در خدمت خشنودی پایدار*، ترجمه مصطفی تبریزی، تهران، دانژه.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتب.
- طباطبایی، سید محمد کاظم، ۱۳۹۰، *منطق فهم حدیث*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ق، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، چ دوم، نجف، المکتبه الحیدریة.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
- طوسی، نصیرالدین، ۱۳۷۷، *اخلاق محتشمی*، تهران، دانشگاه تهران.
- _____، ۱۳۸۰، *بازنگاری اساس الاقتباس*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____، ۱۴۱۳ق، *اخلاق ناصری*، تهران، علمیه اسلامیه.
- عسکری، حسن بن عبدالله، ۱۴۰۰ق، *الفروق فی اللغة*، بیروت، دار الآفاق الجدیدة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، قم، هجرت.
- فردریکسون، باربارا، ۱۳۹۵، *مثبت گرایی: چگونه به زندگی شور و نشاط بیشتری ببخشیم*، ترجمه نسرین پارسا و هامایاک آوادیس یانس، تهران، رشد.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۰۶ق، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۵، *اصول کافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، قم، اسوه.
- _____، ۱۴۲۹ق، *اصول کافی*، قم، دار الحدیث.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، *عیون الحکم و المواعظ*، قم، دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محدث نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل‌البتیت.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- مظاهری، حسین، ۱۳۸۳، *کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شؤون حکمت عملی*، محمود ابوالقاسمی و حمیدرضا آذری، چ دوم، تهران، ذکر.
- مگیار - موئی، جینا ال، ۱۳۹۱، *فنون روانشناسی مثبت‌گرا: راهنمای درمانگران*، ترجمه فرید براتی‌سده، تهران، رشد.
- _____، ۱۳۹۲، *ملاخلات روانشناسی مثبت‌گرا: راهنمای درمانگر*، ترجمه علی‌اکبر فروغی، جلیل اصلانی و سحر رفیعی، تهران، ارجمند.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۷، *شرح چهل حدیث*، چ پنجاهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- Joseph, Stephen, 2015, *Positive Psychology in Practice*, Hoboken, NJ: Wiley.
- Peterson, C., & Seligman, M. E. P., 2004, *Character strengths and virtues: A handbook and classification*, Oxford, England, Oxford University Press.
- Seligman, E. P., & Tracy, A. S., 2005, *Positive psychology progress*, (Empirical validation of intervention) available at, www. penn.com.
- Seligman, Martin, Csikszentmihalyi, Mihaly, 2000, *positive psychology: An introduction*, American psychologist.
- Snyder, C. R., & Lopez, S. J., (Eds.), 2003, *Positive psychological assessment: A handbook of models and measures*, Washington, DC, American Psychological Association.